



۲۰۱۸/۰۹/۰۹

فاروق اعظم

مسئله آب و روابط افغانستان و ایران

محمد جواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران، به شبکه ۳ تلویزیون دولتی ایران (حالا خورشید) روز یکشنبه ۲۶ اگست ۲۰۱۸م گفت: "کشورش از اهرم های مختلف برای حل اختلافات بر سر حقابه رودخانه هیرمند با افغانستان استفاده خواهد کرد. شاید هفته ای نباشد که در مورد مسئله آب هیرمند صحبت نکنیم. ولی برای رسیدن به توافق جامع به وقت بیشتر نیاز است." وزیر امور خارجه ایران در پاسخ به این سؤال رضا رشید پور، مجری تلویزیون که پرسید آیا "ما در قضیه آب هیرمند از پس افغانستان بر نمی آیم؟ گفت: "چرا، بر می آیم. ما می توانیم از اهرم های مرادفات سرحدی، مهاجران افغان، موضوع مواد مخدر و تجارت در مورد افغانستان استفاده کنیم." آقای ظریف گفت که ایران و افغانستان دو سال پیش در پنج حوزه آموزش، سرحد، امنیت، اقتصاد و آب کمیته های مشترک ایجاد کردند و این کمیته ها چند بار با هم نشستند و او امیدوار است که از مجموعه این جلسات قرارداد جامعی بین دو کشور بدست بیاید که موضوع آب هیرمند، آب هامون و آب هریرود بر اساس آن قابل تعقیب باشد. جواد ظریف همچنین افزود که با وجودیکه در مورد حقابه ایران از دریای هیرمند در سال ۱۹۷۳م معاهده میان دو کشور امضاء شد اما جریان آب این دریا به ایران به صورت منظم صورت نمی گیرد و خواهان عملی شدن این معاهده ایم. او گفت: در مورد هریرود چنین توافقی نداریم، دنبال این هستیم که ما و ترکمنستان با افغانستان به توافق برسیم، تعقیب مرتب هم کردیم. اما همان طوری که عرض کردم در روابط بین المللی بحث فراهم کردن امکانات، فراهم کردن اهرم ها برای رسیدن به توافق است.

در عکس العمل به سخنان آقای جواد ظریف، محمد نصیر اندیشه معاون وزارت امور خارجه افغانستان در کابل گفت: دولت های افغانستان و ایران در باره آب دریای هیلمند توافقنامه ای را در سال ۱۳۵۱ هـ ش امضاء کرده اند که در آن حقوق هر دو کشور واضح و رهنمود هایل حل اختلاف نیز برای حل این مشکلات روشن است. وی در یک میز مدور تلویزیونی افزود: برای حل مشکلات بین دو کشور در رابطه با آب هیلمند در سال های پر آب، متوسط و خشکسالی مطالبی وجود دارد که بر اساس آن می توان موضوع را حل کرد و لازم به هیچ مطلب دیگری نیست و ما در این زمینه مشکل یا اختلافی با دولت ایران نداریم. همچنان، گل محمد خلمی وزیر «انرژی و آب» افغانستان نیز در عکس العمل به این اظهارات جواد ظریف اعلام کرد که تقسیم آب رودخانه هیلمند بین افغانستان و ایران موضوع حل شده است. البته وی مدعی شد که ایران از حقی که برای آن کشور تعیین شده نه تنها کمتر بلکه بیشتر نیز گرفته

است. وی ادعا کرد که براساس این توافقنامه، ایران حق دارد در سال ۸۵۰ میلیون متر مکعب آب از دریای هیرمند به دست آورد. اما بر اساس مدارک و شواهد دولت افغانستان، ایران در سال یک هزار و ۸۰۰ میلیون متر مکعب آب از رودخانه هیرمند دریافت کرده است. آقای خلمی تصریح کرد: در ضمن بین جمهوری اسلامی افغانستان و ایران کمیته مشترکی در این باره فعالیت میکند و کار آن بدون مشکل ادامه دارد و هیچ مشکلی در این بین وجود ندارد. قبل ازین نیز مقامات بلند پایه ایرانی حرف های تند و تهدید آمیز به افغانستان راجع به آب هیلمند نثار فرموده بودند که اکثر شان ناشی از عدم معلومات کافی در زمینه و یا اغفال ذهنیت عامه در ایران بود. رئیس جمهور ایران حسن روحانی در کنفرانس بین المللی مقابله با طوفان و غبار که روز دوشنبه ۳ جولای ۲۰۱۷م در تهران برگزار شده بود، گفت: هشتاد درصد منشاء گرد و غبار در این کشور منشاء خارجی دارد و از جمله به تلاش های سدسازی در افغانستان و ترکیه اشاره کرد. او گفت: "نمی توانیم در برابر آنچه محیط زیست ما را تخریب می کند، بی تفاوت باشیم، احداث سدهای متعدد در افغانستان و بندها از کجکی، کمال خان، سلما و دیگر سدها و بندها در شمال و جنوب افغانستان در ولایت خراسان ما و سیستان و بلوچستان ما تأثیرگذار است."

سرلشکر یحیی صفوی، مشاور نظامی رهبر جمهوری اسلامی ایران (فرمانده سابق سپاه پاسداران) روز سه شنبه (۲۷ فیروزی ۲۰۱۸م) در کنفرانس "دیپلماسی آب و فرصت های هیدروپولیتیک غرب آسیا" که در تهران برگزار شده بود، گفت: افغانستان در آینده شاید "سرمنشاء مناقشات آبی" با ایران باشد.

آیت الله خامنه ای رهبر ایران در ماه می ۲۰۱۶ در ملاقات با اشرف غنی، رئیس جمهور دولت اسلامی افغانستان در تهران نیز تلویحا تهدید آمیز گفته بود که مسائل آب بین افغانستان باید به گفتگو حل شود و باعث تشنج روابط نگردد. این درحالیست که دولت افغانستان و ایران تأکید دارند که متعهد به اجرای مفاد "معاهده ۱۳۵۱ هس هیلمند" استند. مقامات دولت افغانستان همواره اعلام کرده است که بر اساس توافقنامه بین دو طرف کدام اختلافی با ایران در این زمینه ندارد و ایران نیز خواهان تطبیق این معاهده است.

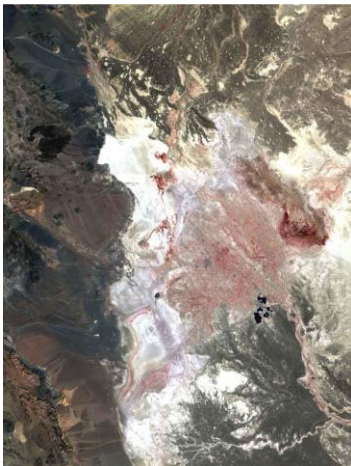
صرف نظر از اینکه ایران تکلیف عدم تنظیم آبی خود را بر دوش افغانستان می گذارد و یا برای اغفال و استغلال اذهان عامه ایران ضرورت به چنین اظهارات بی مورد دارند، حقیقت امر اینست که خشکسالی در بیست سال گذشته و خصوصاً در سال های اخیر همه منطقه ما را فرا گرفته و همه ما را متضرر ساخته است. بارش در ایران در بیست سال اخیر تقریباً ۱۹ فیصد کاهش پیدا کرده است. مشکل خشکسالی و کم آبی محدود به ایران نیست؛ بلکه افغانستان نیز در این اواخر با خشکسالی شدید مواجه بوده که حتی سازمان ملل متحد از خطرات سنگین احتمالی برای مردم هشدار داد و برای پیشگیری از مشکلات فاجعه بار ناشی از آن خواستار کمکهای بیشتر جهانی به افغانستان شد.

"تولی لینز" نماینده سازمان ملل متحد در امور افغانستان در ۲۸ ماه می امسال (۲۰۱۸) هشدار داد که اگر کمک های به موقع در این کشور صورت نگیرد، وقوع فاجعه انسانی رخ خواهد داد. مواسی اکثر کوچی های افغانستان از درک بی آبی تلف شد و شکایات مکرر شان به مقامات بلند پایه دولتی افغان ثبت است. نویسنده این مقال زمین زراعتی در ولسوالی ارغنداب قندهار دارد. با وصف اینکه زمین ما نزدیک به بند آب گردان ارغنداب است، ولی به اثر خشکسالی

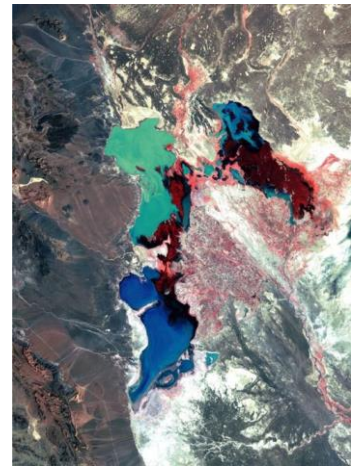
که آب در رود ارغنداب نبود، ما سال گذشته زمین خود را کشت نکردیم و تاکنون زمین زراعتی ما بدون کشت و بهره برداری مانده است.

برای زنده نگه‌داری اشجار و باغ‌ها مجبور به حفر چاه‌ها در پهلوی رود شدیم. ببینیم که وضعیت اقلیم برای سال آینده چطور خواهد بود. ما که در سربالای رودخانه واقع هستیم، حال ما زاراست، چه رسد به حال آنانیکه در پائین مسیر رود موقعیت دارند.

ایران، متأسفانه نه تنها با مشکلات جدی مدیریتی در سکتور آب دچار بوده، بلکه روحیه دپلوماسی اش با همسایگان نیز ضعیف و در سطح باید، نیست. چیزیکه به خود روا میدارد به دیگران انکار میکند. ایران با سد سازی روی رود زاب، بخشی از منابع آب کردستان عراق را قطع می‌کند. زاب یکی از پرآب‌ترین رودخانه‌های ایران است که از کوه‌های زاگرس سرچشمه می‌گیرد، از کردستان عراق عبور می‌کند و به دجله می‌ریزد. دولت ایران برای احیای جهیل اورمیه که خود شکار مدیریت ناقص آب ایران است، اکنون مشغول ساختن سدی بر سر رود زاب و



انحراف آب آن به سمت این جهیل است. دولت خودمختار اقلیم کردستان عراق به شدت به این موضوع اعتراض کرده است. در جواب ایران می‌گوید که چون سرچشمه رود زاب در داخل ایران است پس این کشور حق دارد طوریکه لازم می‌بیند آب آن رود را تنظیم کند. ولی چنین حقی به همسایگان دیگر خود قایل نیست.



نمای پر آب هامون هیلمند در ۱۹۹۵م

نمای خشک هامون هیلمند در ۲۰۱۵م

کاهش آب اروند رود، خشک شدن جهیل‌های اورمیه و هامون هیلمند و تاحدی هم تالاب هورالعظیم، مشکلاتی اند که ریشه‌های شان در مدیریت ضعیف آب ایران نهفته است. ایران (بدون مشوره با افغانستان که در قرارداد ۱۳۵۱ هش متعهد است) با تغییر دادن مسیر طبیعی آب رود هیلمند از هامون به تالاب‌های مصنوعی به نام "چاه نیمه آب" و بردن این آب زراعتی به منظور آب آشامیدنی به شهر زاهدان، این جهیل طبیعی (هامون) را خشک نموده است که اثرات منفی خیلی بد محیط زیست را برای ساکنان هر دو کشور بار آورده و سبب مهاجرت هزاران فامیل قشر زراعتی آن منطقه شده است. ولی برای پوشانیدن ضعف‌های خود و اغفال اذهان عامه، ایران انگشت انتقاد را به طرف افغانستان نشانه می‌گیرد.

دولت ایران در حالی به افغانستان مبنی بر چگونگی بهره‌برداری از منابع آبی اش خرده می‌گیرد که مکرراً تأکید میکند که ایران باید به فرصت‌های هیدروپلنیتیک خود در سرحدات غربی کشور اندیشیده و به دنبال بسط هژمونیک آبی باشد. سردار

رحیم صفوی مشاور نظامی رهبر ایران با اشاره به موقعیت بالادست رودخانه های غرب ایران میگوید: «سالانه ۱۰

متر مکعب آب از کشور
میلیارد آن وارد عراق می
با استفاده از این مزیت و با
منطقه ای داشته باشیم.» او
آینده شاید "سرمنشاء
باشد. اگر



میلیارد و ۲۰۰ میلیون
خارج می شود که ۷
شود، بر این اساس باید
کمک آب نفوذ
میگوید: افغانستان در
مناقشات آبی" با ایران

نمای پُر آب جهیل اورمیه در شمال غرب ایران در سال ۲۰۰۰م

و نمای خشکش در ۲۰۱۴م

یک مشاور عالیرتبه نظامی ایران چنین یک طرز دید نظامی و فکر بالا دستی در سیاست های آبی کشور داشته باشد، درین صورت ایران چه توقع همکاری از همسایگان خود دارد؟ اینکه ایران به عنوان کشور هژمون منطقه، سایر بازیگران را تهدید می کند و می خواهد منافع ملی خود را به گونه حد اکثر و حتی انحصاری تأمین نماید و بر نفوذ ستراتیژیک خود با استفاده از ابزار منبع آب مشترک بیافزاید، در چنین رویدادی چگونه میتوان از همسایگان خود انتظار داشت بشرابط استفاده عادلانه و منصفانه پابند بمانند و نیازهای آبی کشور پایین دست و محتاج (ایران) را فراهم کنند؟ رودخانه های سرحدی مشترک و چگونگی بهره برداری از منابع آبی آن، میتوانند منشاء نزاع و کشمکش میان دولت ها بر سر تضمین منافع انحصاری کشورهای شان باشد و هم می توانند موضوع همکاری مشترک به منظور توسعه پایدار منطقه و مقابله با تهدیدات مشترک محیط زیستی باشد. نویسنده این مقال در مقدمه کتابی به نام:

(آب در مقابل تیل و بندر بحری: مناسبات افغانستان و ایران بر سر آب رود هیلمند) تحسین به آن سیاستمداران افغان و ایران تقدیم نموده است که با حوصله مندی، درایت سیاسی و دیپلماسی واقعبینانه مشکل آب رود هیلمند را در سال ۱۳۵۱ هـ.ش به نفع مردم هردو کشور حل نمودند. نویسنده امیدوار است حاکمان امروزی افغانستان، ترکمنستان و ایران موضوع آب هریرود را به منوال آب رود هیلمند با درایت، حوصله مندی و روا داری حل و فصل نمایند.

رود هیلمند از رودهای پر آب افغانستان و آسیا به شمار میرود که سالانه میلیاردها متر مکعب آب در آن جریان می یابد. این رود از بلندی های کوه های بابا در ۴۰ کیلومتری غرب کابل از رشته کوه هندوکش در افغانستان سرچشمه می گیرد و پس از طی مسافت ۱۱۵۰ کیلومتر در داخل افغانستان به جهیل هامون که دریاچه ای مشترک بین افغانستان و ایران است می ریزد. پس از شکست مذاکرات متعدد در سال های ۱۹۰۵م و ۱۹۳۹م میان سران حکومتی افغانستان و ایران، بالاخره قراردادی در سال ۱۹۷۳م (۱۳۵۱ هـ.ش) میان شهید محمد موسی شفیق، صدراعظم وقت افغانستان و امیرعباس هویدا، نخست وزیر وقت ایران در کابل به امضاء رسید و مقرر شد که در هر ثانیه ۲۲ متر مکعب آب سهم زارعین ایران باشد. شاه افغانستان بر سیل حسن همجواری ۴ متر مکعب آب برآن افزود که مجموعاً ۲۶ متر مکعب شد. در مقابل، ایران تعهد سپرد که به افغانستان حق استفاده رایگان از بندر بحری خود (چابهار) را میدهد و از بندر تا دلارام و لشکرگاه سرک و خط آهن به پول ایران اعمار می نماید. همچنان وعده سپرد که پول مصارف اعمار سه بند آب گردان را بر رود هیلمند بشمول بند کمال خان تادیه نموده و آب اضافی را می خرد. در راستای

تطبيق این قرارداد، شاه ایران به افغانستان در وقت سردار شهید محمد داؤد خان مبلغ ۲ میلیارد دالر تعهد بلاعوض نمود. ولی دیري از عقد قرارداد متذکره نگذشته بود که افغانستان دچار مشکلات سیاسی و امنیتی شد. انکشاف منابع آب در افغانستان متوقف شد، مردم مجبور به مهاجرت شدند و زمین های اطراف رود هیلمند بدون کشت ماند. بدین ترتیب، آب هیلمند در ۴۰ سال گذشته بدون استفاده مروج در داخل افغانستان عمدتاً بطرف ایران مجانی رفت. افغانستان در چهل سال گذشته اصلاً توان و حتی فرصت کنترول آبهای خود را نداشت چه رسد به اینکه حبابه ایران را منع و تصاحب نماید. ایران در چهل سال گذشته نه تنها آب هیلمند را اضافه از حق شان برده اند، بلکه با سوء استفاده ازین حالت افغانستان، مسیر دریای هیلمند را تغییر داده، هامون ها را خشک نموده و محیط زیست را برای همه زارعین و ساکنان هر دو طرف سرحد مشترک ناسازگار ساخته است. استعمال واتریمپ های بزرگ، انتقال آب رود هیلمند از طرف ایران برای استفاده آشامیدن در شهر زاهدان به وسیله خط لوله و انتقال و ذخیره حجم عظیمی از آب رود هیلمند در چاه های زابل به نام نیمه چاه آب از عوامل اصلی خشکی هامون است. حبابه ایران در رود هیلمند برای زراعت و امرار حیات شرافتمند دهاقین ایرانی تعیین شده بود، نه برای آشامیدن مردم شهرنشین زاهدان و یا دیگر شهرهای ایران. اگر قرار باشد که آب آشامیدنی شهرهای ایران از رود هیلمند تهیه شود، درین صورت بیست رود هیلمند تکافو نخواهد کرد. این مداخلات بیجا، غیر فنی و خلاف تعهدات دوجانبه، محیط زیست را برای همگان نامساعد ساخته است. بلند ترین درجه حرارت در سیستان (قریب دشت لوط) در طول قرن های گذشته ۵۲ درجه سانتیگراد درج شده، ولی با خشک شدن هامون هیلمند، درجه حرارت درین اواخر به ۷۰،۵ درجه سانتیگراد رسیده که زندگی را به مردم منطقه تقریباً ناممکن ساخته است. نتیجتاً هزارها فامیل دهقان ایرانی نسبت به کم آبی و تغییر اقلیم، خانه ها و دهات خود را ترک نموده و مسکن گزین شهرها شده اند که در حقیقت یک فاجعه انسانی را به بار آورده است. مالداري و ماهیگیری در اطراف هامونها سخت آسیب دیده بلکه ناپدید شده است و از ملیونها پرنده ای که هر سال از سایبریا به هامون هیلمند می آمدند دیگر سراغی نیست. این فاجعه عظیم ایکولوجیک اگر از یک طرف نتیجه آفات طبیعی (خشکسالی) است، از طرف دیگر زاده تنظیم ناقص آب در ایران و سوء استفاده از وضع نابسامان کنونی در افغانستان است.

به حیث یک دوست ایران، باید تذکر داد که مدیریت آب در ایران و بخش زراعتی آن مستلزم توجه جدی است. این بخش حدود نود درصد از آب کشور را مصرف می کند. ولی سهم واقعی بخش زراعتی در تولید ناخالص ملی و حوزه اشتغال، متناسب نیست. بخش زراعتی و مالداري در ایران عمدتاً با کمک های دولت از عواید نفت سر پا ایستاده است و با حذف این کمک، توان برای رقابت و حتی بقا نخواهد داشت. اصلاً، چون آب و بارش در ایران کم است و نظر به گرمی اقلیم کمتر خواهد شد، و چون میزان تمایل به کمی رطوبت خاک و به دشتی شدن و بیابان زائی زمین های زراعتی در ایران زیاد است و نتیجتاً چون مهاجرت روستائیان به شهرها روز افزون است، محیط زیست و کلتور مردم را سخت زیر فشار آورده و می آورد. چون نفوس در شهرها سرسام آور رو به افزایش است، روستائیان نو وارد به شهر باید حرفه ای را بیاموزد که به درد زندگی نو شهری شان بخورد. این تغییر حرفه و فن آوری و شروع کردن به یک زندگی نو و ناخوش آیند فرهنگی و غالباً با تهی دستی باعث نارضایتی اجتماعی و اعتراضات سیاسی می گردد. این طبقه نو نارضایان ولی خاموش در حقیقت پشتیبان نارضایان سابق، منتقدین و سیاستمداران

حرفوی شهری میشوند. در اینجا است که دولت با مشکلات جدی مواجه خواهد شد که نمیتوان آنرا همیشه با قوه قهریه و ناریه مهار کرد. روابط حسنه و تفاهم با افغانستان (نه تهدید) میتواند برخی از این مشکلات را مهار نماید.

افغانستان از لحاظ آب، یک کشور غنی است و نسبت به ایران بسیار کمتر تحت تاثیر تغییر اقلیم و خشکسالی میباشد. مطالعات اولیه، منابع آب افغانستان را ۷۵ میلیارد متر مکعب تخمین میزند درحالیکه تنها ۲۰ میلیارد مترمکعب آن در زراعت استفاده میشود و حجم بزرگی از این آب بدون بهره برداری موثر از سرحدات افغانستان خارج و به حوزه های آبی همسایگان میریزد. باید ملاحظه نمود که به دلیل چهار دهه جنگ، اشغال نظامی، ناامنی، بی سر و سامانی و دولت های ضعیف، افغانستان نتوانسته از منابع آبی و موقعیت هیدرو ژئو پلتیک خود بهره ای ببرد. اگر امروز همسایگانش از سیاست های جدید آبی افغانستان ناخوشنود به نظر میرسند به خاطر سالها عدم عملکرد این کشور و عادت همسایگان به وضعیت پیشین (آب وافر و رایگان) بوده است. ناصر کرمی، استاد اقلیم شناسی در پوهنتون علم و صنعت کشور ناروی پیش بینی می کند ایران به آب افغانستان همیشه نیاز خواهد داشت. او میگوید: افغانستان قادر است نیاز آب یک سوم شرق ایران را تأمین کند. اما باید در نظر گرفت که ارزش آبی که از افغانستان خارج می شود - بر مبنای تعرفه کنونی بین المللی آب - سالانه ۵۰ میلیون دالر است. به گفته کرمی طبیعی است که افغانستان به سمت تجارت با این آب برود، از این طریق هم درآمد کسب کند و هم همسایگان را تحت فشار قرار دهد. افغانستان می تواند مانع ورود آب به ایران شود. این روند، ایران را وارد معاهدات آبی با افغانستان خواهد کرد. ما در نهایت بهای آبی که از افغانستان وارد می شود را خواهیم پرداخت که این تعادل رابطه ایران و افغانستان را به نفع افغانستان برهم میزند و افغانستان دیگر موضع پایین دست کنونی را نخواهد داشت. آقای کرمی میگوید: افغانستان نهایتاً از تغییر اقلیم در ایران سود خواهد برد. لهذا، تفاهم و تجارت آبی با افغانستان به نفع ایران است.^۱

هیلمند سفلی و چخانسور، همجوار سیستان و بلوچستان ایران، خشک ترین منطقه افغانستان است که میزان بارش سالانه آن ۲۰۰ تا ۳۰۰ ملی میتر است که با میزان بارش سالانه اکثر مناطق ایران برابر است. لهذا، در اکثر مناطق ایران عملاً زراعت در اراضی دیمه متوقف شده و با افزایش مصرف استخراج، ذخیره و انتقال آب، توجیه اقتصادی برای کشت آبی کاهش شدید یافته است. این حالت تعداد بیشتر دهاقین را بیکار و مجبور به مهاجرت بسوی شهرها کرده است. مگر عاید سرشار نفت جلو اثرگذاری جدی بر فضای سیاسی کشور را تا مدتی گرفته است. دهاقین و روستائیان که از نگاه تعلیم و شعور سیاسی طبقه نسبتاً عقب مانده کشور و مردم مذهبی اند، پایگاه اصلی حاکمیت مذهبی ایران است. این طبقه هم اکنون از تعاون و کمک های دولت می خورند و دولت برای جذب حمایت این طبقه و پوشاندن ناکامی های خود در بخش آب و زراعت، ناچار این کمک ها را بیشتر کند. به سبب اکتفاء کشاورزان بر دولت که منتج به کندی ابتکار و حس خود کفایی زارعین شده، کم رنگی سرمایه گذاری خصوصی در سکتور زراعت، کاهش قیمت نفت در بازار جهانی، تعذیرات اقتصادی امریکا و تحولات نامساعد سیاسی منطقه، دولت ایران نمیتواند به این کمک ها مادام العمر ادامه دهد. دولت ایران نمی تواند این سکتور روبه ورشکستگی را تصنعی پایدار و از

^۱ <http://oyannews.com/> ایران-ناصر کرمی

نگاه اقتصادی پویا نگهدارد. هر تحولی که ضربه جدی به عاید نفت بزند شاید تمام دستگاه دولت بیش از تصور قبلی دستخوش متلاشی شدن شود. داشتن روابط حسنه با افغانستان میتواند در کاهش این مشکل بزرگ ممد واقع شود.

تاکنون دولت ایران به مردم خود وانمود می کند که ایران با بحران جدی آب رو برو نیست و تغییر اقلیم به هیچ وجه بحران آفرین نیست تا سرمایه گذاری و هزینه ای در کار باشد. بلکه هر چه هست صرفاً یک مشکل معمولی و کاملاً قابل حل است و آن هم از راه فشار بر همسایگان، خصوصاً افغانستان که در موقعیت ظاهراً ضعیف قرار دارد. ازدیاد سرسام آور جمعیت در ایران که زاده سیاستهای دولت است، مهاجرت روستائیان به شهرها که یک آفت به جان دولت است، کم نشان دادن بحران آب و تغییر اقلیم که فاجعه برای ملت است، استعمال غیر فنی آب در زراعت، حفر خودسرانه چاهای عمیق و ادامه کارافزار سنتی زراعتی و مالداري عواملی است که به آن باید توجه جدی نمود، مگر دولت ایران همواره آنرا در شورا در بیانات دولتی و رسانه ها کم اهمیت جلوه میدهد، و ناچار بار همه نارسائی های خود را بر دوش افغانستان می اندازد. شما اظهارات اولیای امور ایران را که در اول این مقال نقل قول شده ملاحظه بفرمائید. در چهل سال گذشته در افغانستان جنگ است و هیچ دولت مؤثر و کار آگاه نداشته است تا منابع آبی را انکشاف دهد. همچنان درین دوران، ملیونها افغان مهاجر شده و زمینهای شان لامزرورع مانده اند. بدین ترتیب، همه آبهای این کشور بدون کدام بندش و حتی استعمال عنعنوی به همسایگان رایگان رفت و میرود. ولی هنوز هم ایران قانع نیست و کوشش دارد برای گمراه کردن ذهنیت عامه، بار کوتاهی های خود و اهمال در وظایف خویش را بر دوش افغان ها بیاندازد. یک دولت مسئول آنست که واقعه کوچک را جدی بگیرد و در زمینه از تدبیر کار استفاده نماید، به مردم معلومات لازم بدهد و مسئولیت ها را توزیع و توضیح دهد که در جوامع عقب مانده برعکس این است. اتفاقات بزرگ و مهیب را کوچک و بی اهمیت جلوه میدهند تا دال بر مدیریت خوب شان باشد. این روش دولت، مردم عامه را به دولت بی اعتماد می سازد و در قضایای مهم ملی آنها را بی تفاوت بار می آورند. ایران نمی تواند با این روش کجرو، روابط بین المللی را درست و دیپلماسی مثبت و فعال را دنبال نماید.

دولت ایران نباید بار ملامتی مدیریت ناقص خود در بخش آب و زراعت را بر دوش افغان ها نهد و ناکامی دولت را از چشمان مردم خود پنهان و اذهان عامه را اغفال نماید. باید ملاحظه فرمود که چندین رود در داخل ایران یا بکلی خشک شده و یا آب شان خیلی کم شده است. خشک شدن جهیل اورمیه در شمال غرب ایران که هفتمین جهیل بزرگ در آسیا به شمار می رفت، خشک شدن رود قم در مرکز ایران، و ... کار افغان ها نیست. اکنون که ایران در افغانستان از خیرات امریکا در موقعیت خوبتر است، قابل فهم است که می خواهد با تهدید و استعمال مزید حربه های غیراخلاقی (استفاده سوء از مهاجرین افغان، تحریک طالبان، تجارت و غیره) بر ضد افغانستان استفاده مکرر نمایند. ولی نه امریکا تا ابد در افغانستان خواهد بود و نه این شب تاریک بر افغان ها لازوال خواهد ماند. **حسبنا الله ونعم الوکیل، نعم المولی ونعم النصیر.**

مخالفت با افغانستان بر سر آب، شاید سرابی باشد که ایرانی ها را عمداً به بحرانی ببرد تا به ابر قدرت ها زمینه مداخله مساعد شود. باید ملاحظه فرمود که در منطقه و همسایگی ما تنها ایران دارای استقرار سیاسی است و شاید توطئه ای در میان باشد که دیگر ایران این مشخصه خود را از دست دهد و از همین لحاظ باید اتمام حجت شود که تشنج با افغانستان به نفع ایران نیست.

در مسئله آب رود هیلمند، افغانستان با ایران قراردادی دارد که باید با لفظ و روح از طرف هر دو جانب تطبیق گردد. در رابطه هریرود، افغانستان با ایران تعهداتی ندارد. این دو کشور می توانند با استفاده از روند و مثال تقسیم آب دریای هیلمند برای تقسیم آب هریرود نیز فورمول عملی پیدا کند. (پایان)